



## Strategies of the *Best Possible Order* Based on Quality-Orientation, with an Emphasis on the Application of the Term *Aḥsan* in the Holy Qur'an

Behzad Bastami<sup>1</sup>

### Strategies of the *Best Possible Order* Based on Quality-Orientation, with an Emphasis on the Application of the Term *Aḥsan* in the Holy Qur'an

Behzad Bastami<sup>1</sup>

1. Assistant Professor / Seminary Level, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, University of Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran. behzad.bastami@yahoo.com

#### Article Info

#### ABSTRACT

##### Article type:

Research Article

##### Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Available online

##### Keywords:

*Nizām-i aḥsan*, Quality-Orientation, Qur'anic Strategies, Human Growth and Elevation, The Word *Aḥsan*.

**Objective:** The concept of *nizām-i aḥsan* (the Best Possible Order) in Qur'anic thought signifies the perfect and purposeful order of the universe, grounded in Divine wisdom. Within this framework, all components of existence are meticulously arranged to facilitate human growth and perfection in the most optimal manner

**Method(s):** This study aims to elucidate the qualitative strategies of the *Best Possible Order* by analyzing Qur'anic verses that feature the word *aḥsan*. Employing a descriptive-interpretive methodology with a Qur'anic linguistic approach, the research seeks to extract key concepts and demonstrate how quality-orientation within the *Best Possible Order* serves as the fundamental basis for human upbringing, guidance, and elevation.

**Results:** The findings indicate that the concept of *aḥsan* in the Qur'an can be understood through three primary strategic axes: 1) Providing the best conditions for growth; 2) Demanding the highest quality of human performance; and 3) Motivating through the best rewards.

**Conclusions:** The convergence of these three strategies illustrates that the *Best Possible Order* acts as a substrate for actualizing humanity's latent potential and achieving growth commensurate with their inherent existential capacity.

**Cite this article:** با توجه به شیونامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌او‌ای.



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

## راهبردهای نظام احسن مبتنی بر کیفی گرایی، با تأکید بر کار بست واژه «احسن» در قرآن کریم

بهزاد بسطامی<sup>۱</sup>

۱. استادیار / گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران؛ behzad.bastami@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>هدف:</b> نظام احسن در اندیشه قرآنی، بیانگر نظم کامل و هدفمند هستی بر پایه حکمت الهی است، که در آن تمامی اجزای عالم به بهترین وجه ممکن در مسیر رشد و کمال انسان قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین راهبردهای کیفی نظام احسن، به تحلیل محتوای آیات قرآن کریم می‌پردازد که در آن واژه «احسن» به کار رفته است.</p> <p><b>روش(ها):</b> روش تحقیق در این مقاله، تحلیل توصیفی - تفسیری با رویکرد زبان‌شناسی قرآنی است و بر آن است تا ضمن استخراج مفاهیم کلیدی، نشان دهد چگونه کیفیت‌گرایی در نظام احسن، مبنای تربیت، هدایت، و تعالی انسان محسوب می‌شود.</p> <p><b>یافته(ها):</b> یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مفهوم «احسن» در قرآن، در سه محور اصلی قابل تحلیل است: ۱. راهبرد فراهم‌سازی بهترین شرایط رشد؛ ۲. راهبرد مطالبه‌گری بر محور بهترین عملکرد انسانی؛ و ۳. راهبرد انگیزه‌بخشی بر اساس بهترین پاداش‌ها.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> هم‌گرایی این سه راهبرد، نشان می‌دهد که نظام احسن، بستری برای فعلیت‌یافتن استعدادهای بالقوه انسان و تحقق رشد متناسب با ظرفیت وجودی اوست.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> نظام احسن، کیفیت‌گرایی، راهبردهای قرآنی، رشد و تعالی انسان، واژه «احسن».</p>

**استناد:** با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتالی دی‌اوی.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



## مقدمه

عالم هستی با همه پیچیدگی‌هایش از نظم دقیق و هدفمند برخوردار است که بیانگر تجلی حکمت و علم الهی در ساختار خلقت می‌باشد. قرآن کریم این نظم را با تعبیر «نظام احسن» یاد کرده و بر آن تأکید دارد که آفرینش موجودات، به‌ویژه انسان، در بهترین صورت ممکن تحقق یافته است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷) و «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴). در این نظام، همه اجزای عالم در ارتباطی متقابل و هماهنگ قرار دارند و هر پدیده‌ای در جایگاه متناسب با هدف غایی خود خلق شده است. این هماهنگی کامل، از منظر الهی، ضامن تحقق کمال و رشد انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات است. و همان‌گونه که در نظم و سایر اجزاء هستی بهترین حالت تصور می‌شود، در موضوع اهداف عالی عالم هستی و کمال‌گرایی مطلوب، کیفیت‌گرایی نیز قابل‌تعمیم خواهد بود. بر این اساس، مفهوم «احسن» نه تنها وصفی برای زیبایی آفرینش، بلکه نشانه‌ای از «جهت‌مندی کیفی» در ساختار هستی است. کیفیت‌گرایی در قرآن، ناظر به برتری در اندیشه، عمل و نیت است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «لِيَلْبِغُوا أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود: ۷). بدین ترتیب، غایت آفرینش، سنجش کیفیت اعمال و رشد معنوی انسان است، نه صرفاً کثرت آن‌ها. این اصل، مبنای بحث حاضر را شکل می‌دهد که چگونه نظام احسن به‌عنوان طرحی جامع از آفرینش، راهبردهایی برای رشد کیفی انسان ارائه می‌کند.

با وجود آن‌که مفهوم «نظام احسن» در آثار فلسفی و تفسیری متعددی بررسی شده است، اغلب پژوهش‌ها به‌بعد کلامی یا هستی‌شناختی آن پرداخته‌اند و کمتر به کارکرد قرآنی و تربیتی این نظام در پرتو واژه «احسن» توجه شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که: «راهبردهای نظام احسن در قرآن کریم با تأکید بر مفهوم کیفیت‌گرایی چگونه تبیین می‌شوند و چه سازوکاری برای تعالی انسان فراهم می‌سازند؟»

## روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحلیل توصیفی - تفسیری است و با تکیه بر رویکرد زبان‌شناسی قرآنی، به تحلیل واژه «احسن» در آیات قرآن می‌پردازد. روش کار بدین گونه است که ابتدا آیات حاوی این واژه استخراج شده، سپس با بهره‌گیری از منابع تفسیری اصیل، مفاهیم کلیدی هر آیه در سه حوزه داده‌ها، عملکرد و پاداش دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. هدف پژوهش، ارائه مدلی مفهومی از «نظام احسن» بر پایه کیفیت‌گرایی در عمل انسانی است تا تبیینی قرآنی از رشد و کمال انسان در چارچوب نظام آفرینش ارائه گردد.

## ۱. پیشینه پژوهش

موضوع «نظام احسن» از دیرباز در حوزه‌های فلسفه اسلامی، کلام، و تفسیر قرآن کریم مورد بحث بوده است. بیشتر آثار گذشته، این مفهوم را از منظر فلسفی و الهیاتی تبیین کرده‌اند و کمتر به جنبه‌های تربیتی و کیفیت‌محور آن از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند.

به‌طور نمونه، دیباچی (۱۳۷۵) در مقاله «تصویری از نظریه نظام احسن آفرینش در قرآن کریم»، به رفع شبهات کلامی مرتبط با شر و عدل الهی پرداخته است. نجفی (۱۳۸۹) در مقاله «پیامدهای تربیتی آموزش نظام احسن از دیدگاه اسلام»، نقش این نظریه را در پرورش باور دینی و رضایتمندی از مقدرات الهی تبیین کرده است. پورروستایی (۱۳۹۲) در اثر «رهیافت‌هایی به نظریه نظام احسن، بر مبنای فلسفه اسلامی»، پیوند میان صفات الهی و نظام احسن را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش‌های جدیدتر، حسن‌زاده مشکاتی (۱۴۰۲) با تحلیل تطبیقی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، سه روش و حیاتی، برهانی و عرفانی را در اثبات نظام احسن بررسی کرده است.

اگرچه این پژوهش‌ها بنیان‌های نظری مفهوم نظام احسن را روشن ساخته‌اند، اما اغلب فاقد چارچوبی روش‌مند برای تحلیل زبانی و مفهومی آیات قرآن بوده‌اند. پژوهش حاضر با رویکردی متفاوت، واژه «احسن» را به‌عنوان کلیدواژه‌ی مرکزی نظام احسن بررسی کرده و درصدد است تا از رهگذر تحلیل کاربردهای آن در قرآن، ابعاد کیفیت‌گرایی را در نظام آفرینش آشکار سازد.

## مبانی نظری پژوهش

«نظام احسن» بر پایه‌ی دو اصل بنیادین استوار است: حکمت الهی و کمال‌جویی انسان. از منظر حکمت الهی، هر پدیده‌ای در هستی بر اساس بهترین نظم ممکن پدید آمده و فاقد نقص و بی‌هدفی است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده: ۷). این اصل بیانگر آن است که جهان به گونه‌ای سازمان یافته که در آن، هر موجودی بالاترین ظرفیت رشد خود را می‌یابد. از سوی دیگر، کیفیت‌گرایی در رفتار انسان، تجلی ارادی او از این نظام حکیمانه است. قرآن کریم با تأکید بر مفهوم «احسن العمل» (هود: ۷)، محور ارزش‌گذاری اعمال را کیفیت نیت و عمل می‌داند نه کمیت ظاهری آن.

در این چارچوب، «نظام احسن» را می‌توان الگویی کیفی از رشد و هدایت انسان دانست؛ الگویی که در آن هر سطح از «احسان» در خلقت، پاسخی درخور در سطح عمل انسانی می‌طلبد. این رابطه دوسویه میان ساختار هستی و کنش انسانی، بنیان نظری تحلیل حاضر را تشکیل می‌دهد.

## ۲. نظام احسن در خلقت

نظمی که با ارادهٔ تکوینی خداوند در همه جا و بر همه‌ی اشیاء حاکم و برقرار است، نظمی کامل و بی‌عیب بوده که در بهترین صورت پدیدار گشته و نمی‌توان حالتی را بهتر از آن تصور کرد و به تعبیر غزالی نظامی «لیس فی الامکان ابداع مما کان» زیباتر از نظام موجود، امکان ندارد: (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۹۳۲)؛ چرا که خداوند، همه چیز را در بهترین وجه آن آفریده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷). از این رو است که در نظر فلاسفه و متکلمان اسلامی، از نظام آفرینش به «نظام احسن» یاد می‌شود. شایان توجه است که هر گاه تعبیر «نظام احسن» در بارهٔ عالم مادیات به کار می‌رود، از آن جا که در مادیات، تراحم وجود دارد، معنایش این است که عالم ماده به گونه‌ای خلق شده است که در آن مخلوقات بیشتری از کمالات بهتری بهره‌مند گردند. صفتی که اقتضا کنندهٔ این نظام است را صفت عنایت خداوند نامند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۹۲). آیت الله جوادی آملی نیز در تفسیر تسنیم، آفرینش زیباتر از نظام هستی را محال دانسته و در توضیح آن آورده است: «زیباتر از نظام هستی که آفریدهٔ خدا است، محال است؛ زیرا اگر زیباتر از آن ممکن بود و خداوند آن را نمی‌آفرید، منشأ آن یا جهل یا عجز یا بخل بود و چون همهٔ این تالی‌ها فاسد و مستحیل است، مقدم آن‌ها نیز محال است. بنابراین، آفرینش جهانی زیباتر از این، محال است». (جوادی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۵۳)

### ۳. حکمت الهی در نظام احسن

یکی از مقدمات دخیل در بحث رابطه «حکمت الهی» و «نظام احسن» است؛ به عبارتی اقتضای حکمت الهی در این موضوع چه مطلبی می‌تواند باشد؟ راغب اصفهانی در واژه‌شناسی قرآنی کلمهٔ حکمت می‌گوید: «حکمت یعنی به حق رسیدن با علم و عقل. پس حکمت از خدای تعالی شناسایی اشیاء و ایجاد آن‌ها از سوی او است؛ بر نهایت استواری. و حکمت از انسان، شناخت موجودات و انجام نیکی‌ها و خیرات است و این همان چیزی است که قرآن با آن لقمان را توصیف کرده است». (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۸). معنای مختلفی از سوی محققین در واژه حکمت ارایه شده که هر کدام از زاویه‌ای خاص به شرح و توضیح پرداخته‌اند. معنای حکمت آن است که افعال فاعل در غایت استواری و کمال و به دور از هر گونه نقصانی باشد. خداوند به این معنا نیز حکیم است؛ یعنی، همه افعال و کارهای او به نیکوترین، و کامل‌ترین صورت ممکن تحقق می‌پذیرد، و از هر گونه کاستی مبرا است. (پور روستایی، ۱۳۹۲، ص ۵۵).

یکی از وجوه حکیم بودن خداوند در موضوع «نظام احسن» بستر سازی برای رسیدن انسان به کمالات در خور، و متناسب با ظرفیت وجودی او می‌باشد: «حکیم بودن او به این معنا است که موجودات را به کمال لایقشان تا هر حدی که برای آن‌ها ممکن باشد، می‌رساند. کار او ایجاد است، و یا تدبیر و تکمیل و سوق دادن اشیاء به سوی کمالات ثانویهٔ آن‌ها است که نوعی دیگر از رساندن اشیاء به کمالات آن‌ها است». (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۶۳) به عبارتی دیگر، حکمت الهی را می‌توان اثبات کنندهٔ نظام احسن و از لوازم بستر ساز این نظام دانست.

## ۴. راهبردهای نظام احسن

### ۴-۱. فراهم سازی بهترین شرایط رشد

خداوند متعال کل هستی را با نهایت ظرافت و دقت آفرید، تا انسان بتواند از مواهب آن بهره‌مند شود و او را بر سایر موجودات از حیث عقل و اختیار برتری داده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰). لوازم و اسباب زندگی برای انسان در بالاترین کیفیت ممکن فراهم شده است، به گونه‌ای که هر آنچه برای ادامه حیات و رشد همه‌جانبه او ضروری بوده، در نظر گرفته آمده است. و از آن‌رو حاجتی برای انسان باقی نمی‌ماند که انسان قصور و کوتاهی خود را متوجه آن سازد. بر این اساس، مؤلفه‌هایی برای تسهیل رشد و تعالی انسان وجود دارد که در ادامه بررسی می‌شوند.

### ۴-۲. بهترین پرورش دهنده

آفرینش انسان از طریق مراحل مختلفی انجام شد که در سوره مؤمنون آمده است: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴). احسن الخالقین بودن خداوند نتیجه تدبیر الهی در آفرینش انسان و دمیدن روح در اوست. خداوند نه تنها نیازهای جسمی انسان را تأمین کرده، بلکه نیازهای هدایتی و معنوی او را نیز در نظر گرفته است: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى \* الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی، ۳-۱). همان‌گونه که مشاهده می‌شود در این آیات شریفه خداوند متعال فرآیند رشد را در چهار مرحله: «خلقت آغازین»، «تسویه»، «تقدیر و اندازیه‌گیری» و در نهایت «هدایت» به تصویر می‌کشد. به سخنی دیگر حکمت الهی اقتضا می‌کند علاوه بر خلقت، برنامه‌ای جهت رشد و تعالی انسان را در نظر گیرد. حکمت الهی به این معناست که موجودات را تا حد امکان به کمال لایقشان می‌رساند؛ کار خداوند تنها آفرینش نیست بلکه تدبیر، تکمیل و سوق دادن موجودات به سوی کمالات ثانویه نیز هست (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۶۹).

### ۴-۳. نزول بهترین سخن

کتاب هدایت بر اساس آموزه‌های وحیانی مشتمل بر بهترین سخن، متناسب با سطح هدایتی انسان نازل شده است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» (زمر، ۲۳) و مخاطب آن نیز نه قشر خاص، بلکه عموم انسان‌ها را شامل شده است: «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره،

۱۸۵). خداوند همه لوازم هدایت انسان را در این کتاب آورده است: «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹). هدف از این هدایت، تکمیل نواقص انسان و ارائه نسخه‌ای کامل برای رشد و تعالی اوست: «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ بَلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (انعام، ۱۵۴). این آیات نشان می‌دهد که نسخه آسمانی، کامل‌ترین و بهترین راهنمای هدایت انسان در قالب بهترین سخن می‌باشد. در واقع می‌توان گفت سخنی بالاتر و بهتر از کلام خداوند متعال وجود نداشته و این کتاب یکی از ارکان بسترساز بهترین شرایط رشد را فراهم می‌آورد.

#### ۴-۴. خلقت انسان در بهترین صورت

خداوند انسان را در بهترین شکل ممکن آفرید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین، ۴). مفهوم «تقویم» اشاره به نظام معتدل و شایسته و آماده‌سازی انسان برای پیمودن مسیر صعودی کمال دارد. انسان به گونه‌ای آفریده شده که هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی توانمندی‌های لازم برای رشد را داراست و با وجود آن که «جرم صغیری» است، «عالم کبیر» را در وجود خود دارد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۴۴). به تعبیری دیگری «احسن تقویم» بودن، حکایت از آمادگی انسان در نزول و صعود در نمودار انسانیت دارد. منظور از «احسن تقویم» آنست که خدا انسان را در بهترین استعداد و اعتدال آفریده که برای صعود و نزول کمال آمادگی را دارد، نظیر «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس، ۸) (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۲۸۱). تفضلی که خداوند متعال به انسان نسبت به سایر موجودات داده، نعمت «عقل» و «اختیار» می‌باشد که این صورت-بندی خلقت انسان را در وضعیت برتر و بالاتری نسبت به سایر موجودات هستی قرار داده است.

#### ۴-۵. خلقت اشیاء در نیکوترین حالت

با تأملی به نظام هستی دریافت می‌شود که خداوند متعال بر اساس حکمت بالغه خود و وسعت لطف و رحمت بی‌پایانش، بهترین شرایط ممکن را برای انسان فراهم آورده است. و به جهت زندگی نیکو و شایسته‌ی انسان، خلقت تمامی اشیاء را در حد اعلا‌ی خود ایجاد نموده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده، ۷). دقت در خلقت اشیاء که هر یک دارای اجزایی موافق و مناسب با یکدیگر است، و اینکه مجموع آن اجزاء مجهز به وسایل رسیدن آن موجود به کمال و سعادت خویش است، و اینکه این مجهز بودنش به نحوی است که بهتر و کامل‌تر از آن تصور ندارد، این معنا را دست می‌دهد که هر یک از موجودات فی‌نفسه و برای خودش دارای حسنی است، که تمام‌تر و کامل‌تر برای آن موجود متصور نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۷۳). به عبارتی می‌توان گفت که اگر خلقتی بهتر و برتر مورد انتظار بود، که خداوند بدان نپرداخته باشد نشأت گرفته از عجز و ناتوانی خداوند بوده که این امر از سوی خداوند که مظهر

تمامی صفات رحمت و حکمت بوده امکان ندارد. تصور خلقت بهتر هستی و امتناع آن از سوی خداوند حکیم نشان از نقص داشته و با حکیم بودن خداوند ناسازگار می باشد.

بنابراین نظام احسن، به عنوان راهبردی برای هدایت انسان، نه تنها شرایط زندگی و رشد جسمی او را در نظر گرفته، بلکه با فراهم کردن امکانات هدایت معنوی و تربیتی، زمینه ارتقای همه‌جانبه انسان را فراهم کرده است. بدون تردید در نظام احسن خلقت که دارای بهترین آفریدگار و پروردگار است، و آفرینش انسان و سایر موجودات در بهترین شکل و شرایط ممکن، نشان از حکمت، تدبیر و رحمت بی‌نهایت خداوند دارد و نسخه هدایت آسمانی نیز به تکمیل و تعالی او کمک می‌کند. بدین سبب در «نظام احسن» همه چیز در جهت فراهم نمودن بهترین شرایط برای انسان فراهم آمده که رشدی متناسب با شأن او ایجاد گردد.

## ۵. مطالبه گری بهترین عمل، متناسب با بهترین عطاها

همه آنچه را که خداوند در صورت «احسن» خود برای انسان خلق نمود و نعمت‌های پنهان و پیدا را به او هدیه نموده بر اساس حکمت متعالی خداوند، باید در یک هدف بسیار مهم و اساسی آن را واکاوی نمود. هستی از انسان عملکردی در خور و متناسب با برخوردارگی‌ها و شایسته لطف خداوند دارد. و به همان میزانی که نعمت‌های گوناگون در اختیار او قرار داده، به همان میزان نیز در سطحی متناسب از او عملکردی مطلوب‌تر را مطالبه می‌نماید. به سخنی دیگر انتظار هستی از انسان، قدر شناسی، استفاده صحیح، و زندگی بر مدار رضایتمندی خداوند، و مبتنی بر عملکرد مطلوب می‌باشد. و منطقی به نظر می‌رسد که بر این اساس که خداوند همه چیز را در حد مرتبه عالی را به انسان عطا نموده، به همان میزان از انسان نیز انتظار بهتر عمل و رشد و تعالی یابی در حد کمال مطلوب آن می‌باشد. و در ادامه به بررسی مؤلفه‌های این مطالبه‌گری پرداخته خواهد شد.

## ۵-۱. بالاترین کیفیت عمل

تمامی نعمت‌ها و مواهبی که خداوند در صورت «احسن» خود برای انسان آفرید، هدفی بسیار مهم را دنبال می‌کند؛ هستی از انسان انتظار دارد تا در پاسخ به این الطاف بی‌پایان، عملکردی متناسب و شایسته ارائه دهد. خواستگاه هستی از انسان شامل قدردانی، استفاده صحیح از مواهب و زندگی بر مدار رضایتمندی خداوند است و این خواست بر مبنای عملکرد مطلوب تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، بهترین عملکرد انسان، پاسخ منطقی و شایسته‌ای به بهترین داده‌های هستی است. قرآن کریم به اهمیت کیفیت عمل انسان تأکید دارد: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف،

۷). تعبیر «أَحْسَنُ عَمَلًا» به جای «أَكْثَرُ عَمَلًا» نشان‌دهنده این است که ارزش عمل نزد خداوند، نه در کمیت بلکه در کیفیت و حسن انجام آن است (نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۵۰). هدفمندی خلقت آسمان‌ها و زمین نیز به همین معنا اشاره دارد: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَلْوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود، ۷). بر این اساس، افراد برتر در میان انسان‌ها، معیار اصلی و غایت خلقت آسمان‌ها و زمین هستند و ارزش واقعی عملکرد، کیفیت عمل انسان است، نه مقدار آن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۲۶).

بنابراین نیکوتر عمل کردن مطالبه‌ای منطقی به جهت برخورداری‌های انسان می‌باشد. ما زمین را زینت و آراسته گردانیدیم و با انواع و اقسام زیبایی‌ها از اشجار و نباتات و حیوانات و دریاها و کوه‌ها و مناظر طبیعی زینت دادیم و به انواع جواهرات آراسته گردانیدیم و چنین کردیم برای اینکه اهلش را بیازمائیم و آنان را مورد امتحان واقع گردانیم تا دانسته شود که کدام یک عملشان نیکوتر است. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱؛ ج ۸، ص ۶)

## ۵-۲. جستجوی بهترین انتخاب‌ها در زندگی

هستی از انسان می‌خواهد که با برخورداری از اختیار و تدبیر، بهترین انتخاب‌ها را در زندگی انجام دهد. هرچه دقت و خرد انسان در انتخاب‌هایش بیشتر باشد، کیفیت زندگی او ارتقا یافته و جایگاه اجتماعی و شخصیتی او نیز ارزشمندتر خواهد شد: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۸). تعبیر «أَحْسَنَهُ» نشان‌دهنده ضرورت انتخاب برتر و تفکیک حسن از قبیح است و تأکید می‌کند که انسان با ایمان نباید هر سخنی را صرف شنیدن، پذیرفته و دنبال کند، بلکه باید با قدرت عقل و نظر، بهترین را انتخاب کند (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸، ص ۸۵).

به واسطه انتخاب بهتر است که انسان در مسیر رشد و بالندگی قرار گرفته، و خداوند نیز به هدایت او هدایتی می‌افزاید. قرآن در آیه فوق صاحبان "هدایت الهی" را منحصر در این قوم شمرده، همانگونه که خردمندان را منحصر به این گروه دانسته است، اشاره به اینکه این گروه مشمول هدایت ظاهر و باطنند، هدایت ظاهر از طریق عقل و خرد، و هدایت باطن از طریق نور الهی و امداد غیبی، و این دو افتخار بزرگ بر این حقیقت جویان آزاداندیش است. (مکارم، ۱۳۷۴؛ ج ۱۹، ص ۴۱۳). به سخنی دیگر «به‌گزینی» در عرصه‌های گوناگون تناسبی با شأن و منزلت انسان داشته و لاجرم و پیوسته انسان باید خود را به این ابزار کارآمد تجهیز نماید. از آموزه‌های وحیانی چنین برمی‌آید که «به‌گزینی»، خاستگاهی قرآنی دارد و به انسان امروزی که با چالش‌نومیدی روبه‌روست، انگیزه و حیاتی نو می‌بخشد تا در هر نقطه‌ای از زندگی و با هر وضعی که در آن قرار گرفته، میل به بهترین راه چاره‌جویی برای برون‌رفت از بن‌بستها داشته باشد و بر اساس آموزه‌های وحیانی، حرکت و جهش خود را برای زدودن عقب‌ماندگی‌ها و طی مراحل رشد و موفقیت آغاز کند. (بسطامی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵)

## ۵-۳. تبعیت از بهترین روش و الگو

انسان برای دستیابی به رشد و تعالی، و رسیدن به جایگاه ارزشمند نسبت به دیگران باید از بهترین الگوها و راهکارهای زندگی بهره گیرد. پیروی از مسیرهای طراحی شده، بدون آزمون و خطا، فرد را در مسیر صحیح زندگی قرار می‌دهد: «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (زمر، ۵۵). بر اساس توصیه پیامبر (ص)، قرآن کریم و اهل بیت (ع) الگوهی بدون خطایی هستند که در سایه تمسک به آنان می‌توان به بهترین شیوه زندگی دست یافت. «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنَ الْقُرْآنِ وَ وَكَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ الْأَئِمَّةِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ قَالَ فِي الْإِمَامِ لِقَوْلِ الصَّادِقِ ع نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴: ۱۹۴). نکته ای که اهمیت موضوع را دوچندان کرده، واقعیتی است که در مقطع کنونی وجود داشته و آن این است که میل به الگو و الگو پذیری در انسان‌ها به ویژه جوانان بسیار بالا بوده و سرنوشت بسیاری از انسانها به نوع الگوها و پیشواهای فکری گره خورده است. در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۲۴)، و در برخی روایات، منظور از «طعام» علم و دانشی است که غذای روح انسان محسوب می‌شود و باید به منبع صحیح آن توجه داشت (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۲۹).

## ۵-۴. رنگ الهی با کیفیت‌ترین عمل

ارزش اعمال انسان زمانی مشخص می‌شود که هدف آن رضای خالق باشد. خداوند اعمال انسان را ولو اندک، می‌پذیرد و به آن رنگ الهی می‌دهد: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره، ۱۳۸). رنگی که برتر از هر نژاد و قبیله و مکتب بوده، و به سبب داشتن چنین رنگی، شأن و منزلت انسان در سایه بندگی، اوج گرفته و به مقام اشرف مخلوقات نائل می‌شود. در واقع می‌توان گفت هر آنچه که رنگ و بوی خدایی نگیرد محکوم به نابودی بوده، و هر عملی که بر اساس خدامحوری انجام پذیرد ماندگار خواهد بود: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۶). و هر آنچه را که رنگ الهی به آن تعلق گرفت، خداوند به احسن وجه پاداش او را به بهترین شکل خواهد داد. بی‌تردید، چیزی که همیشگی است، بهتر از آن چیزی است که از بین می‌رود. به علاوه، فایده‌ی دنیوی با رنج‌ها و تلخی‌ها همراه است و اگر یک طرف آن شیرین باشد، طرف دیگرش تلخ است، اما سود اخروی از هرگونه رنج و تلخی به‌دور است (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ۸۵۴).

## ۵-۵. بهترین روش رفتاری در مواجهه با دیگران

انسان های شایسته و برتر از نگاه خداوند متعال، انسان هایی هستند که روش احسن و نیکویی برای برخورد با دیگران در گفتگوها و مجادله ها انتخاب می کنند، و پاسخ بدی را به نیکویی تمام می دهند: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴). و به موجب این برخورد سنجیده، دشمنی ها تبدیل به دوستی شده، و از تهدید موجود، یک فرصت برای ارتباط صمیمی ایجاد می کنند. و همچنانی که خداوند به او نیکی و احسان نموده، او نیز به دیگران نیکی می کند: «وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص، ۷۷). در مواجهه با دیگران، جدال احسن نموده و بر اساس سطح دانایی و معرفت طرف گفتگو، روشی بهتر و مطلوبتر را انتخاب نماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل، ۱۲۵). منظور از جدال احسن، نقض کلام خصم و مقابله به مثل است، به شرط آنکه از طریق خوب و حسن نیت باشد، چون مردم به این سه قسمت تقسیم می شوند؛ لذا مناسب است بعضی را موعظه کرد و بر بعضی استدلال نمود و با بعضی مجادله کرد، شاید این سه راه مطابق باشد با فن برهان و خطابه و جدل، که در علم منطق آمده است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۵۲۲). ظرافت در برخورد و سنجیده رفتار کردن بر اساس آیه مورد تأکید قرآن می باشد. دعوت به حکمت و برهان برای خواص است و به موعظه حسنه برای عوام و مجادله به طریقه و طرز احسن برای دفع معاندان و جاحدان؛ و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که مجادله با احسن مجادله با قرآن است (لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۶۹)

بنابراین بالاترین کیفیت عمل، جستجوی بهترین انتخاب ها در زندگی، تبعیت از بهترین روش ها و الگوها، رنگ الهی دادن به اعمال و انتخاب رفتار نیک در مواجهه با دیگران، از اصول بنیادین نظام احسن است. این راهبردها، نه تنها رشد و تعالی فردی را تضمین می کنند، بلکه زمینه ساز تعامل مثبت اجتماعی و دست یابی به کمال انسانی هستند. و بدین ترتیب انتظار از انسان، انتظار حداقلی نخواهد بود. و به تناسب برخورداری از مواهب، عطایا، و نعمت ها، «کیفیت» در افکار، اعمال و رفتار انسان ملاک نظر خواهد بود.

## ۶. راهبرد انگیزه بخشی الهی

کسانی که در مسیر درست زندگی و رضای خداوند متعال گام می نهند، بر اساس سنت های الهی ضمن حمایت های گوناگون، از جمله نصرت: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم، ۴۷)، نجات از بحرانها: «ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۱۰۳) و ارایه طریق: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹)، از پادشاهای دنیوی و اخروی به جهت انگیزه بخشی برای رشد و تعالی یابی برخوردار بوده، همچنین به جهت تمجید از تلاش و مجاهدت، نوید پادشاهای متنوع، و برخورداری از نعمتهای پایدار و جاوید، در نظام احسن خلقت به او داده می شود؛ که بالاتر از همه آنها خشنودی حضرت حق در آخرت می باشد: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۷۲). هر

چند لذت‌های جسمی برای انسان گوارا و جذاب بوده اما لذات روحی با توجه به اصالت آن در سطح بالاتری قرار دارد. روح در واقع به مانند "گوهر" است، و جسم همچون "صدف"، "روح" فرمانده است و "جسم" فرمانبر، تکامل روح هدف نهایی است، و تکامل جسم وسیله است، به همین دلیل تمام شعاع‌های روح از جسم وسیع‌تر و دامنه‌دارتر می‌باشد، و لذت‌های روحی نیز قابل مقایسه با لذات جسمانی نیست، همانگونه که آلام روحی به مراتب دردناک‌تر از آلام جسمانی است. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۰)

## ۶-۱. زندگی نیکو و پاک در دنیا

انسان‌های شایسته که بر مدار توحید زندگی خود را بنیان نهاده‌اند، بر اساس وعده الهی در همین دنیا نیز از زندگی نیکو و حیات طیبه برخوردار خواهند بود: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَكَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنُعمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» (نحل؛ ۳۰). در این دنیا به ازای کارهای نیک ایشان نیکویی است از توفیق و هدایت و نصرت و لدارُ الْآخِرَةِ و هر آینه سرای آخرت و نعمتهای آن جهان خیرٌ بهتر است از نعمتهای دنیوی، (لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۰۹). بر پایه‌ی جهد و کوشش و تدبیری که برخاسته از فهم صحیح نسبت به زندگی دارند، همچنین پاسخ نیکو به دعوت حق، خداوند نیز در هر دو سرا، حیات طیبه را نصیبشان می‌گرداند: «رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (طلاق، ۱۱). تعبیر "رزقا" به صورت "نکره" اشاره به عظمت و اهمیت روزی‌های نیکویی است که خداوند برای این جمعیت فراهم می‌سازد، و مفهوم وسیعی دارد که هر گونه موهبت الهی را در آخرت و حتی در دنیا نیز دربر می‌گیرد، چرا که نتیجه ایمان و تقوا تنها مربوط به آخرت نیست، افراد مؤمن و پرهیزگار در این دنیا نیز زندگی پاک‌تر و آرام‌تر و لذتبخش‌تری دارند. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۵۹).

قرآن کریم برای کسانی که در جهت مقاصد الهی حرکت کرده و رسالت‌های مبتنی بر نظام احسن خلقت را به خوبی به انجام برسانند پاداش‌های نیکوی دنیوی را نیز فراهم ساخته است: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر، ۱۰). در این آیه «حسنه» را مطلق آورده و معین نکرده که مراد از آن پاداش‌های دنیوی و یا اخروی است، و ظاهر این اطلاق آن است که مراد از آن، اعم از حسنه آخرت و حسنه دنیا است که نصیب مؤمنین نیکوکار می‌شود، از قبیل طیب نفس، سلامت روح، و محفوظ بودن جان‌ها از آنچه دل‌های کفار بدان مبتلا است، مانند تشویش خاطر، پریشانی قلب، تنگی سینه، خضوع، در برابر اسباب ظاهری، و نداشتن کسی که در همه گرفتاری‌های روزگار به او پناهنده شود و از او یاری بگیرد، و در هنگام پیش آمدن حوادث ناگوار به او تکیه داشته شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۷۱).



لطف و رحمت واسعہ خداوند در مضاعف نمودن اجر و پاداش، در آیات متعددی تبلور یافته و هر کدام به نوعی امید و نشاطی تازه را در کالبد انسان می‌دمند: « وَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (نجم ۳۱) . [وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى] و خدا هر کار زیبایی که کنید بهترینش که خصلت زیبا، یا عاقبت، یا نعمت زیبا باشد پاداشتان می‌دهد. (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۵۳)

## ۶-۳. بالا بردن عمل

از دیگر مواردی که خداوند متعال از در فضل خود و در راستای انگیزه بخشی برای انسان‌های شایسته و نیکو انجام می‌دهد این است که اعمال ناقص آنان را نخست بالا برده و شأن و مرتبه‌ای به آن بخشیده، سپس بر مبنای آن اجر پاداش در نظر خواهد گرفت. «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور، ۳۸). پس خدا اعمال آنها را پاک می‌کند، نقایص عملشان را نادیده می‌گیرد یا عمل حسن را احسن به حساب می‌آورد و پاداش آن را می‌دهد، این یکی از الطاف خداست. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۲۷). یکی از دغدغه‌های عموم مردم، در خصوص اعمال ناچیز و یا اندک است که خداوند به چه صورتی در خصوص آنها تصمیم خواهد گرفت؟؛ و اگر خداوند برای آنان نیز شأنی قائل باشد این مطلب می‌تواند انگیزه مضاعفی را برای بندگان ایجاد نماید. خداوند تمام اعمال آنها را بر معیار و مقیاس بهترین اعمالشان پاداش می‌دهد، حتی اعمال کم اهمیت و متوسطشان هم‌ردیف بهترین اعمالشان در پاداش خواهد بود! و این از فضل خداوند دور نیست، چرا که در مقام عدالت و مجازات برابری ضروری است، اما هنگامی که به مقام فضل و کرم می‌رسد مواهب و بخششها بی حساب است، چرا که ذات پاکش نامحدود است، و " نعمتش نامتناهی کرمش بی پایان". (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۸۴).

خداوند از یک سو تمامی اعمال آنها را به مثابه عمل احسن به حساب آورده و از سوی دیگر بر بهترین وجه ممکن حمل نموده و پاداش می‌دهد. « أُولَئِكَ الَّذِينَ تَتَّقِلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ تَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّادِقِ الَّذِينَ كَانُوا يُوعَدُونَ» (احقاف، ۱۶). معنی این نیست که عمل احسن آنها را قبول می‌کنیم و بقیه اعمال آنها مورد قبول نیست، بلکه مراد این است که تمام اعمال حسنه آنها را به بهترین قبول و اجر قبول می‌کنیم چنانچه می‌فرماید: وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (زمر، ۳۶). (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۴۶). و به واسطه اینکه خداوند متعال اعمال انسان را مرتبه و شأنی بالاتر می‌دهد، پاداش آنها نیز نیکو و گواراتر خواهد بود. «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا» (فرقان؛ ۲۴). در کلمه «أحسن» (أحسن مَقِيلًا) نشانه و رمزی است برای زینتها و صورت‌های زیبا و نیکویی‌های دیگری که استراحتگاه اهل بهشت به آنها آراسته شده است. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۶۱)

## ۴-۶. محو بدی ها و گناهان

وجهی دیگر از مظاهر لطف و رحمت بیکران خداوند این است که قبل از اینکه انسان های شایسته و نیکو را از پاداش های متنوع، متنعم سازد، گناهان و آثار بدی ها را از آنان می زداید. «أُولَئِكَ الَّذِينَ نَنْقَلِبُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِينَ كَانُوا يُوعَدُونَ» (احقاف، ۱۶). جزای عمل در حقیقت همان خود عمل است که به سوی پروردگار رفته است، و بهترین جزا همان بهترین اعمال است، پس، در نتیجه جزا دادن به احسن اعمال معنایش جزا دادن به احسن جزاء است. معنای دیگری نیز هست، و آن این است که خدای سبحان گناهان ایشان را که مختلط به اعمال نیک ایشان شده می آمرزد و جهات نقص اعمال آنان را می زداید، و می پوشاند، و بدین وسیله عمل ایشان را بعد از آنکه عمل نیک بود به صورت عمل نیکوتر درمی آورد و آن گاه به آن عمل نیکوتر پاداش می دهد، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۴۶). به عبارتی دیگر در مرحله اول «پاک سازی» درون انجام گرفته، انواع آلودگی ها از صفحه وجود انسان پاک گشته و در مرحله دوم «باز سازی» انجام می شود. بسیاری از انسان ها به واسطه غوطه وری در گناه با تصور خروج از دایره رحمت الهی، در مسیر قهقرایی با شتاب فزاینده ای حرکت کرده، اما اگر اعتقاد به محو گناهان و بدی ها در او ایجاد گردد، بستری مطلوب جهت بازگشت و جبران خطاهای گذشته در او ایجاد گردد. و این امر سبب می گردد تا در مقام جبران و تغییر سازنده بر آید.

## ۵-۶. پاداش اعمال کوچک

یکی از موضوعاتی که امید و نشاط را در انسان های نیک کردار افزایش می دهد این نکته است که هر قدم و حرکت هدفمند آنان و لو اینکه به نتیجه نرسد از سوی خداوند دارای اجر و پاداش خواهد بود. به عبارتی زحمات و تلاش آنان در هر حال دارای پاداش خواهد بود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود، ۱۱۵). این موضوع می تواند عامل تحریک کننده و جهت دهنده برای انجام اعمال نیک و خیر باشد، و به انسان این اطمینان را بدهد که در هر صورت خداوند متعال عمل انسان را به حساب آورده، و نتیجه آن را به صورت های مختلف خواهد دید. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (کهف؛ ۳۰). به عبارتی دیگر در عرصه های مختلف همچون جهاد، شکست برای آنها معنایی نخواهد داشت؛ و در هر صورت خداوند تلاش آنها را ضایع و تباه نخواهد ساخت: «وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (توبه، ۱۲۱). این آیه در انفاقات مالی و مرارتهای سفری است که می فرماید و لَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً چه بذل مال کند در مصارف شخصی خود یا در اعانت به مجاهدین صغیره و لَا كَبِيرَةً چه کم باشد یا زیاد هر کسی بقدر وسع خود. و لَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا زحمت های سفر که گفتند (افضل الاعمال احمزها) إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ برای آنها تماما نوشته و ثبت می شود لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ لَمْ عاقبت است یعنی عاقبت این نفقات و زحمات ها این است که خداوند

جزاء می‌دهد آنها را أَحْسَنَ ما كَانُوا يَعْمَلُونَ تمام جزاهای الهی حسن است و احسن از آنها نصیب این طائفه است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۴۶). اساساً مقدار عمل نزد خداوند متعال نسبت به کیفیت و انگیزه آن از درجه اهمیت کمتری برخوردار بوده، و رضایت‌مندی خداوند در هر کار و عملی ملاک قبولی آن شمرده می‌شود.

بنابراین راهبرد انگیزه‌بخشی مبتنی بر پاداش الهی، شامل حمایت‌های دنیوی و اخروی، افزایش و ارتقای اعمال، پاک‌سازی بدی‌ها و پاداش اعمال کوچک است. این نظام تشویقی باعث انگیزه، رشد، تعالی و استمرار تلاش‌های انسان در مسیر بندگی و کمال می‌شود. و از طرفی بنا بر سختی‌ها و مشکلات گوناگون که طبیعت زندگی در دنیا است، این راهبر می‌تواند انگیزه و سوخت لازم را جهت عبور از بحران‌ها و بن‌بست‌ها را برای رسیدن به موفقیت نهایی در انسان ایجاد نماید.

## نتیجه‌گیری

۱- بر اساس آیات قرآن کریم «نظام احسن» خلقت یکی از موضوعات کلیدی بوده، و خداوند متعال بیش از ۵۰ بار واژه «أحسن» را بکار برده که نشان از اهمیت موضوع داشته، و بر همین مبنا تدبیر هستی در احسن وجه آن مورد عنایت خداوند متعال می‌باشد.

۲- در نظام احسن به جهت کیفیت بخشی سطح عملکرد انسان راهبردهای سه‌گانه به شرح ذیل مشخص گردید:

الف- راهبرد داده‌ها مبتنی بر بهترین شرایط: در این راهبرد بهترین شرایط ممکن برای انسان جهت رشد و تعالی توسط خداوند متعال ایجاد شده، و دارای مؤلفه‌هایی در جهت تسهیل امر رشد می‌باشد. مؤلفه‌هایی همچون بهترین آفریدگار و پروردگار، بهترین کتاب راهنمای هدایت، خلقت اشیاء در بهترین وجه ممکن و در خدمت بشر بودن این امکانات، همچنین خلقت انسان در وجه احسن آن که بهتر از آن قابل تصور نبوده می‌توان اشاره نمود.

ب- راهبرد مطالبه‌گری بر مبنای بهترین عملکرد: در این راهبرد، به واسطه پدید آوردن بهترین شرایط ممکن، انتظاری جزء سطح عملکردی متناسب با آن داده‌ها نیست، و انسان باید به جهت شکرگزاری از نعمت‌های در اختیار، هنرمندی خود را در بهترین عملکرد خود به نمایش بگذارد. مؤلفه‌هایی همچون، بالاترین کیفیت عمل، به‌گزینی در عرصه‌های گوناگون، انتخاب و تبعیت از بهترین الگو، رفتار سنجیده، و رنگ الهی داشتن اعمال در این راهبر مد نظر می‌باشد.

ج- راهبرد انگیزه‌بخشی مبتنی بر بهترین پاداش: در این راهبرد به جهت تشویق و ترغیب انسان‌های نیکو و شایسته، و تقویت روحی آنان، ابزارهای لازم در نظام احسن پیش‌بینی شده است. مؤلفه‌هایی نظیر، زندگی نیکو در دنیا، بالا بردن عمل،

پاداش مضاعف، محو بدی‌ها و گناهان، و احصاء اعمال کوچک می‌توانند انگیزه و امید بیشتری برای حرکت و طی نمودن مسیر هدایت که با دشواری‌هایی همراه است را در انسان‌های نیکو ایجاد نماید.

۳- همه راهبردهای مورد اشاره در نظام احسن بر یک خواستگاه و هدف خاص تمرکز نموده و آن بالفعل کردن توانمندی‌های بالقوه انسان، و رسیدن به رشد متناسب و شایسته انسان می‌باشد.

۴- «نظام احسن» نظامی نظامی پویا و هدفمند بوده، که در درون این نظام اجزاء و لوازم آن به جهت رشد درونی انسان ایجاد گردیده، که ظهور انسان کامل ره‌آورد و ارمغان آن بوده، و ایجاد جامعه آرمانی در ابعاد تمدنی آن، نه در تصور بلکه در ذات واقعی آن نهفته می‌باشد.

### پیشنهادات پژوهشی

- ۱- تراز عملکردی انسان بر اساس خواستگاه نظام احسن از منظر آموزه‌های دینی.
- ۲- نقش تبیینی نظام احسن در ارتقاء سلامت روان بر اساس آموزه‌های دینی.
- ۳- مدل مرحله‌ای نظام احسن قرآنی برای رشد، کنش کیفی و تعالی تمدنی انسان.
- ۴- «نقش پیامدی نظام احسن قرآنی در رشد و تعالی انسان».
- ۵- کارکرد تربیتی نظام احسن در عبور از موانع و مشکلات.

### ملاحظات اخلاقی

#### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسنده از هر گونه جعل و سرقت علمی و هر گونه سوءرفتار پژوهشی اجتناب کرده و اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع را تأیید می‌کنند.

#### مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به‌طور برابر در مفهوم‌سازی مقاله و نگارش پیش‌نویس اولیه و نسخه‌های بعدی آن اعم از نسخه‌بازبینی‌شده و ویرایش‌شده مشارکت داشته‌اند.

#### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان (گان) این مقاله تعارض منافع ندارد.

#### حامی مالی

مقاله حاضر از طرف هیچ‌گونه نهاد و مجموعه‌ای حمایت مالی نشده است.

#### سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

## منابع

- ۱- **قرآن کریم**. ترجمه مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- ۲- بانوی اصفهانی، نصرت امین. (۱۳۶۱). **مخزن العرفان**. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- ۳- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران، بنیاد بعثت.
- ۴- بسطامی، بهزاد (۱۳۹۷)، **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، مقاله: نظریه به گزینی، نقش و آثار آن در سبک زندگی اسلامی، دوره ۲۲ شماره ۷۴، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۲۶-۱۱۳. <http://noo.rs/> zzv
- ۵- بطحایی، حسین (۱۳۹۸)، **حکمت صدرایی**، مقاله: تحلیل و بررسی نظام احسن از منظر حکمت متعالیه، شماره ۲، صص ۳۰-۲۱، DOI: [10.30473/pms.2019.4991](https://doi.org/10.30473/pms.2019.4991)
- ۶- پور روستایی، جواد (۱۳۹۲)، **رهیافت‌های قرآنی به نظریه نظام احسن**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، **تسنیم**، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، **سرچشمه اندیشه**، ج ۱، قم، مرکز نشر اسراء،
- ۹- حسن زاده مشکاتی، محمد جواد (۱۴۰۲)، محمدی، مسلم، شاکری، روح الله، **اندیشه نوین دینی**، مقاله: تحلیل و بررسی روش های وحیانی، برهانی، و عرفانی در اثبات مسأله احسن، از منظر آیت الله جوادی، دوره ۱۹، شماره ۷۳، صص ۱۷۸-۵۷. [20.1001.1.20089481.1402.19.73.9.8](https://doi.org/10.1001.1.20089481.1402.19.73.9.8)
- ۱۰- دیباجی، محمدعلی (۱۳۷۵)، **رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی**، مقاله تصویری از نظریه نظام احسن آفرینش در قرآن کریم، شماره ۲۸، صص ۵۱-۴۶،
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م). **المفردات الفاظ القرآن الکریم**. بیروت: انتشارات دارالعلم الدار الشامیه.
- ۱۲- شریف لاهیجی، محمدبن علی، (۱۳۷۳)، **تفسیر شریف لاهیجی**، تهران، نشر داد.

- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو.

۱۴- طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۳۷۷). **تفسیر جوامع الجامع**. مترجمان. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۵- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). **أطیب البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: انتشارات اسلام.

۱۶- قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران، بنیاد بعثت.

۱۷- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۳۳۶). **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

۱۸- گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). **تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادة**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۱۹- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۱ق)، **بحار الانوار الجامعه الدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت، مؤسسه دارالوفاء.

۲۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق)، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، ۲۶ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: دوم.

۲۱- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۳)، **آموزش فلسفه**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

22- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) **مجموعه آثار**، تهران، صدرا،

۲۳- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، **عدل الهی**، ج ۶، تهران، انتشارات صدرا،

24- مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، **ترجمه تفسیر کاشف**، ۸ جلد، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ: ۱.

۲۵- مقدم، غلامعلی (۱۳۹۷)، **پژوهشهای اجتماعی، اسلامی، مقاله: قرآن، نظام احسن و سبک زندگی در عصر تکنولوژی**، دوره ۲۴، شماره ۱۱۸، صص ۱۱۰-۸۳

۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۷- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه،

۲۸- نجفی، محمد (۱۳۸۹)، متقی، زهره، **تربیت اسلامی**، مقاله: پیامدهای تربیتی آموزش نظام احسن از دیدگاه اسلام، دوره ۵، شماره ۱۱، اسفند ۱۳۸۹، شماره ۱۱، صص ۱۳۴-۱۱۱،

۲۹- یوسفی، حبیب الله (۱۳۹۸)، عبدالکریمی نظری، مرضیه، **فرهنگ و ارتقاء سلامت**، مقاله: آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۴۵-۱۲۹.

نسخه پیش از انتشار